هو

Remis le 30. juillet 1807.



چون که ابواب فتوحات عام ایزد علام بر چهره کافه انام گشاده و مراحم حضرت لایزال شامل حال

قاطبه قاطنین ایام رایه بر زایه آیات هموالاء وجوه ذی جاه فرازنده لواء دولت و قهرمانی و برازنده اریکه جهانبانی و وزیر آیات اجلال را

آیت گوهر صدف کامکاری و صدف لآلی بختیاری سلاله خاندان خلافت کبری و نتابه دودمان عظمی برادر بلند اختر والا دام شوکته العلیا شمول

بر از فتاح ابواب ... صفحه پرداز اتمامی ... بر از حصول شکست افاغنه در نواحی غوریان و وصول ... بهرات ... حاکی

امراء و علماء افغان در اقبال ... و دیگر تعصب جمعیتشان کوشش در اراده بقصد تلافی کار ... رنجان ... امراء عظام

و در حد و جمشیدی ... ایلات ... هزار لشکر ... از هرات ... و این ... دلاور ... با دل ... اولاد

محمد خان ... در قلعه شکیبان ... در ... شش ... فضل الهی

و از اینطرف سردار ... قلعه شاده ... شکیبان ... معسکر نصرت ... در یوم پنجشنبه ۲۵ شهر ربیع الاول ... چند نفر از امراء و علماء

دلیران غضنفر ... و اقبال ... قرار افغان ... در آن ... جمعیتشان منهزم و ... محمود خان دلیر

با ... اسلام ... عبد الجبار خان ... عبد الواحد خان ... محمد خان

و برادر ... جمشیدی با سه هزار نفر دیگر مقتول و عبد الغیاث خان ...

با چهار هزار نفر دیگر مقتول و بقیة السیف با دل پر حیف متفرق ... هزار ... شهر ...

صفحه المحه زهره زاهره فلک صلابت سروری و زهره باهره چمن نیابت و حضرت سلاله خاقان سلطنت و شهریاری

Lettre de S. A. J. Muhammed-Veli-Mirza, Gouverneur de Khorasan à Hassen ali Mirza Gouv-de Théhran, pour lui annoncer la Nouvelle d'une Victoire remportée sur les Afgans à Hékisan. — Le 25 de rebi-ulawwel 1222.



هو

همواره در جهت جلب و [illegible] عالیه [illegible] بهاهمت و [illegible] می‌نماید [illegible] اساس مهمه [illegible] دولتین [illegible] واسطه یکجهتی و صفا

مصلحت جوی خیر اندیش [illegible] الکرام [illegible] الی از روی [illegible] لطف [illegible] حضرت [illegible] از [illegible] برقرار [illegible] لطف شوق شده

با ادراک صحبت مسرت [illegible] مودت [illegible] مدرسه [illegible] که در ادای [illegible] معروف [illegible] تحریر [illegible] مشغول [illegible] حاصل گشته از [illegible]

[illegible] کرده [illegible] موجب [illegible] آمودن در باب روانه [illegible] فرانسه [illegible] اظهار

[illegible] کاروان [illegible] همراهی او روانه [illegible] رساله [illegible] حضور [illegible] مستشار [illegible] والی

و حصول [illegible] و [illegible] در کمال اعزاز و احترام روانه و [illegible] [illegible] کار [illegible] او [illegible]

در [illegible] دارد [illegible] از [illegible] والد [illegible] تحریری [illegible]

مجمع [illegible] اینکه هر کس [illegible] از جمله [illegible] آن [illegible] اللطف [illegible] جلوه [illegible] مورد [illegible] خاطر

در [illegible] روانه [illegible] مرات [illegible] شیوه [illegible]

[illegible] همواره [illegible] الله [illegible]

[illegible]

[illegible] صحیفه الوداد عالیجاه [illegible]

(2)



(3)

reçu le 14 juillet



هو

عالیجاه عزت و جلالت پناه مناعت و شجاعت انتباه فخامت و شهامت دستگاه صداقت و ارادت آگاه عمدة الامراء المسیحیه زبدة الکبراء العیسویه جنرال غاردان خان صاحب نشان پادشاهی



ایلچی دولت علیه فرانسه را اعلام آنکه ذریعه که در این اوان مبنی بر مراسم صداقت و ارادت قلمی و مصحوب زبدة الامثال کوکبابیک ارسال داشته بود در زمانی که رونق

خاطر دولتخواهان دولتین ابد قرین جام قرب نظام بود واصل گردیده مضامین مسطوره که ظاهر و مفهوم و مراتب اخلاص باطنی آن عالیجاه بود که کماهو حقه آشکار و معلوم گردید

الحق نیکوترین محبتهای پادشاه جم جاه ستاره سپاه عم اکرم امپراطور فرخنده طور محترم نسبت به دولت علیه ایران همین است که آن عالیجاه شهامت انتباه را در استمالت

عرش بنیان پادشاهی موقف ساخته اند و بنحوی که تو با آقای قبله عالمیان روحی فداه قسم است که با وجود آن عالیجاه را برای بنیاد دولت غنیمت میدانیم در راستی

و درستی و خلوص کیشی آن عالیجاه اعتقاد و اعتماد بسیار داریم و از خدا امید داریم که کارهای منظوره بطالع پادشاهان جلیل الشان دولتین و بحسن اهتمام آن عالیجاه بساعتی همراه

فیصل یاب شود و ما از اطراف جهان بهم رسانیده و در جنگ دشمنان دو دولت کشش و کوششی نمائیم که خاطر حضرت قبله عالم و ضمیر عم اکرم را از ما خوشنودی

کامل حاصل شود و همچنین از آنجا که عالیشان عزت نشان موسی لامی و موسی وردیر بنا بر تاکید و سفارش آن عالیجاه لازمه اهتمام در انتظام نظام فرانسه و تعلیم سپاه ما دارند

و رنجهای دیگر که آن عالیجاه در کار است دولت میکشد مارا کمال رضامندی از آن عالیجاه بهم رسیده و البته عم اکرم را هم خرسندی بنهایت از آن عالیجاه خواهد بود

و آن عالیجاه تا انقراض عالم از حصول این نیکنامی سرافراز خواهد بود و باید همه اوقات هر گونه مطلبی دارد بما اظهار نماید و یقین داند که هر مشکلی را که آن عالیجاه بما اعلام کند

بنا بر التفات ما در نظر ما آسان خواهد بود و اخبار انگلیس را انتظار داریم را هم بما بنویسد که استحضار حاصل گردد چیزی

تحریر

(4)

Lettre Ismael bey à S.E. le G.G.

reçu le 28 juillet 1808

خجسته ایامی که دم صبح دولت از مصدر ختام مختلفه الاقوام عنبر بار و مژده حصول خلاصی از تجسم جنود :

مژده شکوفه و ازهار رستن گلدسته خاطر خطیر محبت نمودهای صهبای الوان بهجت دلها داده صلای صحت محبت

منزل عطر آمیز رياحين رنگين مشرب وابه طلعه ز ازدحام سنبلستان خلال درلاله ها بعزر ازرای گلدسته التفات آرایش

محفوف بهجت و دولت شده و پس از ابهار ریاحین تحببات در و به هوس گشت و انکار را لایق آید تعطرات ما ء الملیس

مراسله نگاری مستشرف عمال مودت و شمه سبقت رزی بنمایه که مدت مدیدی معطل گردیده بود که اراجی مودت موال عملی کامل

حالی که درده دولی ملاقات سرچه ایک رسید و الحاصل با ناسه طوامر اسلاف مولف اسات مرد ادخنه :

کواب هیچیک شنیدن نه عمه انزا امر نشسته که ارزو رهبر ابت محمد دا اظهار حامه مودت مسکر گردد که در حلی

ملاقات بهجت ابها سه قرار و مدار و معهدات فیمابین و اندوست بلا اشتباه اتفاق افتاده فیزرر دره

باید بخوکه اراده والی حاملت لکنفسیه معاودت دم احبت لکن کلکته مملکت خویشان مخصه ما ورش اندوست مبعی حالت

نکشیدیم و آنچه ملاحظه میشود تا حاصل زمان دست خبر بهجت انز که موجب خوشنودی باشد بجا نرسیده

اندوست را خوشی الان خنه اید سبب دعلت آن چه چه طرالده بهتر دم اندوست حالت

[illegible]

همچنین [illegible] عالی [illegible] همراه [illegible] دعوت [illegible]

Reçu le 8. août 1809.

(5)

حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه نخوت و جلالت همراه ... و عالیجاه صداقت و ارادت آگاه عمدة الاعاظم المسیحیه موسیو ...

بوفور الطاف خاطر خطیر والا امیدوار و مستظهر بوده بداند که عریضه ارادت فریضه صداقت ترجمه که درین اوقات و ارسال خدمت ... نور والا نموده بود ... توسط

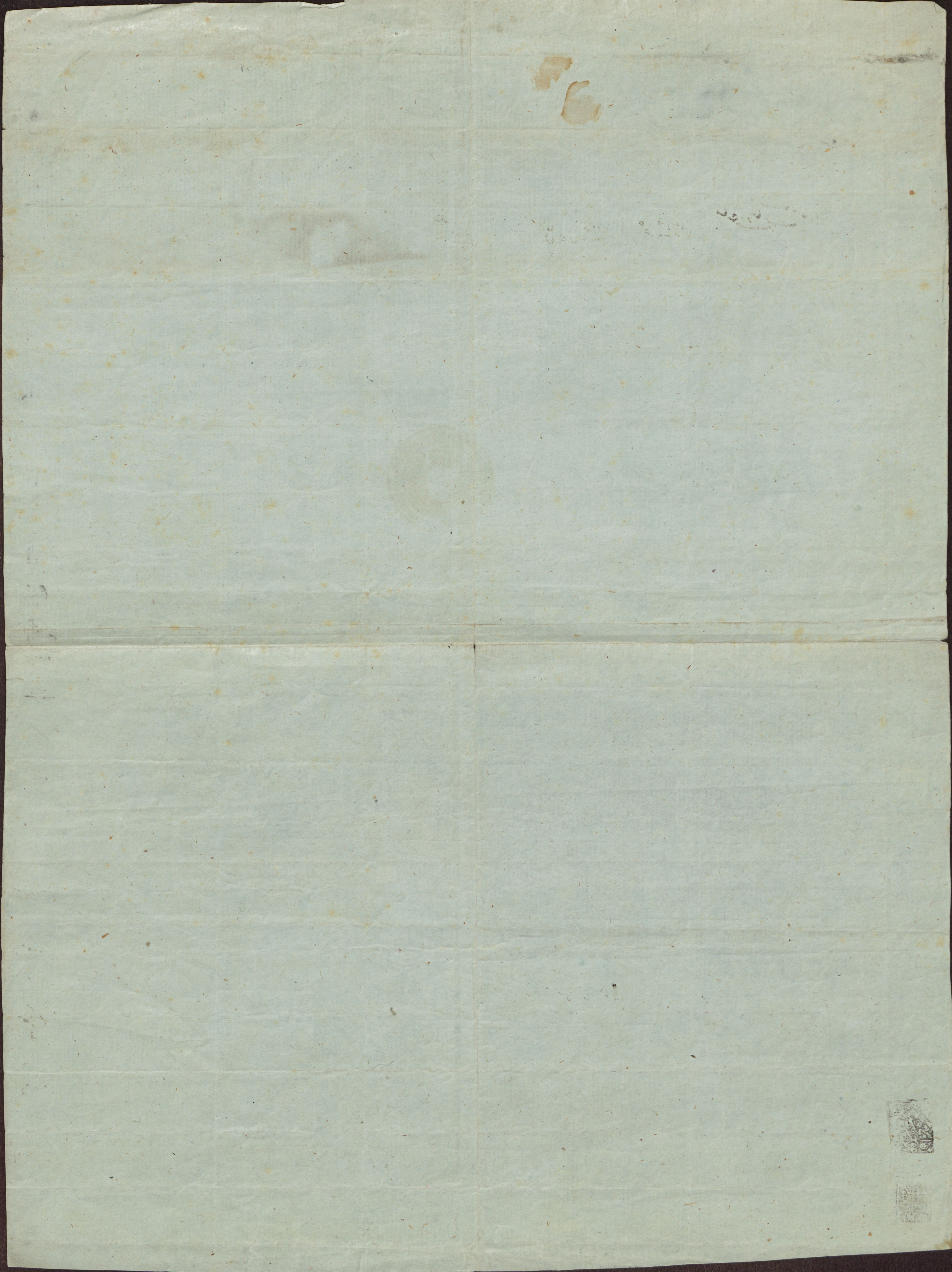
کارگذاران سرکار شوکت مدار ملحوظ نظر مهر آثار گردیده مضامین آن من البدایه الی النهایه معروف رای اصابت پیرایه ... در باب عالیجاه موسیو ... که ... نوشته بود

نواب والا ... چون موسی الیه از جانب عالیجاه جنرال مامور است که توپخانه سرکار را منظم سازد و بعضی از توپهای سرکار را ... الیه

و بعضی دیگر را اسم که در اینجا ... مستور مطالبه ... آنکه عالیجاه او را روانه نماید که برکاب ... نواب والا آمده توپخانه را ... بکند

مراجعت نماید و ... نواب والا هرگز خلاف آنچه را فرموده ایم نکرده ایم و نخواهیم کرد البته آنکه او را روانه رکاب ... نماید در هر ...

مطلق باشد که خلاف رضا امر نخواهد الطاف ... در باره ... که ... مرقوم ... ۱۲۲۴







دُرّ دریای خسروی
عبّاس

دُرّ دریا

حکم [طغرا] عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه مجدت و نجدت پناه دولت و مناعت اکتناه عمدة الاعاظم المسیحیه زبدة الاکارم العیسویه لعمدة الجاه مصدر اکاه

موسیو ... مرقوم روان نغمات بلانهایت خاطر مرحمت آیات نواب مستطاب والا ... ضمیمه صداقت ترجمه ... مشعر بر تسلی دولت ... علیه امپراطوری ... نامه و تجدید قرار بش

اعلیحضرت قدر قدرت قضا مهابت سکندر شوکت عم اکرم امجد اکرم اعظم امپراطور اعظم دام ملکه مرقوم داشته بود ملحوظ نظر عاطفت گستر و مضامین صداقت آیینش مشهود و مکشوف رای عقده گشا گردید حصول

نشاط و غایت انبساط گردید بحمد الله خداوند بیچون این پیوند موجب بقای سلطنت در نسل همایون اعلیحضرت امپراطوری خواهد بود و عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه مجدت و جلالت دستگاه

عمدة المسیحیین العظام عسکرخان ... که مستغرق کمال قدرت و قوت دولت علیه فرانسه و انتظام مهام ممالک محروسه ... شوکت و حسن نوازش و التفات خاطر امپراطوری در حال دولت علیه آگاه

و سبب ... مرقوم ... ملحوظ نظر عاطفت ... باعث مزید مسرت و امتنان خاطر والا شد باجمله اگرچه مطلب بسیار است ولکن با وجود ... قرار ... و ... نیست

... حال تا هیچ خبری از آنجا نرسیده

حاجت به اظهار نیست حقیقت مطالب و مقاصد تا ماحصه هنگام شرفیابی عالیجاه ... روانه شدن از حضرت سعادت ... الکمل ... خواهد

در نظر ... صلاح اندیشی و خیرخواهی و نهایت صداقت ... است همه رجالی و خاطر ... رجال دولت علیه امپراطوری ... معلوم و ... در باره

و با بنیاد رابطه یقین است ... هرچه زودتر ... صلاح ... خواهد گشت ... صلاح ... خواهد شد ... در هر باب ... مقرر شد ... معمول ... الطاف خاطر مهر مظاهر والا ... فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۴

... همه روزه مطالب و مدعیات ... در ضمن عرایض ... عرض ... حصول موصول دارد ... بر عهده عالیجاه ... تحریرا



6

رسیده ۱۸۱



عالیجاها رفیع جایگاها شوکت و مصالحت و استکمالا مجدت و منعت و عزت انتباها [illegible] اگاها

همواره از کدورت و ملال دور قرین بهجت و سرور باد بعد از تحریر مراسم وداد بر ورق دوستی و استحکام نگارد که در این اوان قرین [illegible] آن جنابی مسموع و بر گوش رسید

که ایلچی انگلیس که آمده بدوستدار دیدنی و ملاقات کرده آن عالیجاه دوستی آگاه شنیده و نسبت بدوستدار نقار خاطر بهم رسانیده مکدر گردیده [illegible] کیفیت گذارش آمده و بیان

آمدن ایلچی مزبور بنحوی است چونی در اول ورود دوستدار بانجا [illegible] ترجمان بمنزل دوستدار آمده و دیگر معلوم نکرده که از جانب شما آمده [illegible] ایلچی که در ایران

اینکه ایلچی انگلیس فرستاده است قدری نشسته گفتگو نموده بعد از آن معلوم دوستدار گردیده که ترجمان ایلچی انگلیس بوده [illegible] آمده مشغول ملاقات

است از تو ما کاغذ ارسال نکرده دوستدار نیز گفته که من از ایلچی شما کاغذ نداریم و بعد از آن [illegible] نمود که ایلچی ما خواهش دارد که آمده [illegible] خود

و دیدنی نماید دوستدار جواب داده که ما را با ایلچی شما کاری رجوع نداریم که آمده ما را دیدنی نماید و بعد از آن رفته یک روز [illegible] احتیاط

نشسته بودیم و دیدیم ایلچی انگلیس با لباس خود آراسته شده بدیدن دوستدار آمده چنین دل دوستدار صاف [illegible] تهمت [illegible] هستم

[illegible] که از منزل خود [illegible] بیرون نمائیم خلاف [illegible] ورقه الحمد الله [illegible] دوستدار

به نزد [illegible] خودم [illegible] که رفته باز دیدنی نماید [illegible] خود [illegible] نسبت بدوستدار [illegible] دولت ایران [illegible]

که آن عالیجاه از دوستدار نقار خاطر بهم رسانیده مکدر [illegible] دوستدار از دولت فرانسه [illegible] و بدولت ایران [illegible] خاطر شریف

عالیجاه رفیع جایگاه [illegible] رضامندی و دولت خواهی را با [illegible] دولت ایران عرض نموده از هر باب [illegible] دوستدار [illegible]

جمع داشته از جانب دوستدار فکر دیگر ننمایند دوستدار دولت خواه دولتین است [illegible] و وعده داده بودیم [illegible]

آن عالیجاه [illegible] روانه نموده بودیم [illegible] وعده میدهند آمده ملاقات نمائیم [illegible] ملاقات نماید [illegible]

الوقت میگوئیم [illegible] دوستدار نیز منتظر [illegible] فرانسه اعلام [illegible] دوستدار آمده ملاقات [illegible]

نیز [illegible] ملاقات [illegible] خواهم کرد [illegible] با آن عالیجاه [illegible]



بعرض مقدس علیه میرساند رسم موالات مسلوک خاطر عاطر عالیجاه رفیع و منیع جایگاه دولت و اقبال همراه عظمت و حشمت و جلالت دستگاه بهادر ایده الله

فخامت و مناعت اکتساه مجدت و معالی پناه سلاله الخوانین العظام و نقاوه الخواقین الکرام ... العز والاحترام امید

در پیوسته از نسخه اوقات بهار سحاب عنایات بی پایان خانان سحاب سرور بهار و شادکامی چند این بعرض عارج معارج پایه سریر رسید و مشمول

فرا رسیدن ... رستمی و رفع تکلفات ضروری زبان بعضه کلک اظهار نیاز در ... سعادت آثار ... فرستادن مسیو ریمون و فیسال

فرنساوی بجهت بعضی امور عالیجاه رفیع و منیع جایگاه جنرال غردان خان ایلچی سپهسالار ... صوب ... صوالب بعضه بر ذمه موالات

موالات از مسه اللازم بل متحتم شمرده ... نگارش این عریضه اخلاص حوصله ... خاطر اشرف والا گردانیده و متوقع

آنکه از راه دوستی و اتحاد دولتین علیتین عالیتین عالیشان مسیو ریمون و فیسال مذکور را روانه اردوی کیهان پوی ... بندگان

اقدس والا روحی فداه بفرمایند ... احسن احوال ایشان ... و ... از محامد اخلاق و مکارم اشفاق

آفاق آنکه ... شیوه مرضیه یگانگی را از دست نداده همواره با نگارش حالات و ارسال مرجوعات این کمینه

محبت شاد فرمایند ... از ... بندگان عالی در تقدیم آن کوشیده شرایط یکجهتی و وداد

و قوانین محبت و اتحاد را بمنصه ظهور خواهد رسانید باقی ایام سعادت فرجام بکام باد برب العباد

الاحقر المخلص
موسیو لوئی
قونسول و وکیل
دولت علیه
فرانساوی

بحفظ الله تعالی

ذریعة الفلاح بنظر فیض منظر عالیجاه رفیع جایگاه عظمت و حشمت و جلالت دستگاه فخامت و مناعت اکتناه شهامت و بسالت انتباه مجدت و معالی پایگاه دوستی و مللت همراه سپهبد و سالار آگاه فرمانفرمای ذوالاقتدار ادام الله تعالی عمره و اقباله مقضی باد

که از آن زمان که این نشان دولت دار الملک جهان از دیوان قضا نشان شیر و خورشید قرین خلعت نشان همایون ما صادر گردیده

ما را منظور نظر جهانداری همایون آنست که هر آنکه آن نشان عنبر آیات این دولت ابد آیات بیشتر از پیشتر قابل ابد بیکر عظیم شمس العلامات عنایات خواطر اقدس مزین داریم و منظور مراحم الشان

در ظهور مراحم نشان مفاخرت که داریم مصداق شیمهای مصدوق حال عالیشان رفیع مکان عزت و شهامت نشان اخلاص و ارادت بنیان زبدة الاشباه والاقران

موسیو دوادک که از اعیان فرانسه بخدمات ابد همایون دولت علیه مفاخرت یافته و مراسم خدمات او در سرحدات مملکت فیروز آن کوکب آسمان خلافت و شهریار

خجسته فرزند مسعود نامدار محمد علی میرزا صاحب اختیار سرحدات عراق عرب و عجم مرضی و مستحسن افتاده و مستدعی ظهور مراحم در باره مشار الیه گردید لهذا در این هنگام آستانه

لوای شیر و خورشید را که اعلی طغرای نشان درجه دوم و منتهای آرزوی الاقران قرین مفاخرت الاکرام ساعی و فوزمند همیم که شکر مفاخرت این عطیه را کما هی حقه بجا آورده

از روی کمال استظهار و امیدواری مشغول خدمتگذاری بوده مراسم اهتمام خود را به ظهور رساند و خود را قرین اعزاز میمون خواطر مهر مشهود دارد و مقرر آنکه

عالیجاهان ... ارکان دولت ... حسب المقرر ... فرمان مبارک را در دفاتر ثبت ... تحریرا فی شهر ... سنه ۱۲۳۵

9

(١٥)

و توپخانه
دولتی

که چون مدتی بود که به تهیه و تدارک [illegible] داود پاشای والی بغداد از دولت علیه عثمانیه چند عراده توپ و اسباب توپخانه



سپاهانه
و داره
جرگه
بغداد

با لشکریان زیر دست [illegible] بانظام تمام [illegible] آمده [illegible] از بغداد [illegible] قرب و جوار اجتماع [illegible]

[illegible]

و محمود پاشای بابان [illegible] از این طرف نواب [illegible] طهران

[illegible]
جنگ و حرب

[illegible] جلادت [illegible]

[illegible]
نزول

[illegible] حرکت [illegible] منزل [illegible] بغداد و محمود پاشا [illegible] در منزل قراکول

ماه ذی الحجه [illegible] جنگ [illegible] توپ و [illegible]

با رومیان مشغول جنگ [illegible]

خانش لشکر رومی [illegible] توپ و [illegible]

[illegible] مبارک [illegible] کرمان [illegible]

بجهت اعلان [illegible]

[illegible] ١٢٣٦ [illegible]

محمد علی خان

کرمان شاهان
کرمانشاهان

Exercice militaire
مشق

سرتیپ

قره کول
Kara Yeuul

(۲۱)

که از آنجا که شأن والای سلطنت کبری از مبدأ الهی به نام همایون ما صادر و صادر گردیده و مصادر موارد دستگاه



جهانداری رای جهان آرای ما مصدر عموم مآثر آمده مدار رضای این مواهب بابان و ادای عطایای واهب المنن مقتضی سلطنت مستدام بهجت قضا صبحت افلاک از اصحاب

هر ملت و اعیان هر دولت را که به ظهور قابلیت و شهود مراسم خدمت منظور نظر مرحمت اثر آید به باب مرحمت بیکران و اعتبار شایان مفاخرت افراشته داریم و علامت عنایت صدر ایران

مزین و موشح فرمائیم و مصداق این مقال به احوال عالیجناب رفیع جایگاه صداقت و نجابت دستگاه اخلاص و ارادت آگاه زبدة الاعیان [illegible] موسیو [illegible]

که از اعیان فرانسه به ظهور خدمات منظور نظر [illegible] آمده و رسم [illegible] شهود حضرت خاقانی [illegible] در [illegible] از [illegible] عطایای [illegible]

بین الامثال و الاقران ممتاز داشتیم و به ظهور این مرحمت او را اعتبار [illegible] افراشتیم که [illegible] باید [illegible] خدمت [illegible] اقدام [illegible]

زمانه مشهود و معلوم ساخته مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان عزت و جلادت دستگاهان مقربان الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان مبارک را در دفاتر

خلود ثبت و از شوائب تغییر و تبدیل محروس داشته و در عهده شناسند تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۳۲

آنکه عالیجاه نجابت و شجاعت همراه عزت و جلالت پناه زبده المسیحیون موسی برادر مرتبت مسند در رکاب



فیروزی انتساب نواب با خدمات شایان و جرأتهای نمایان منصور چنانچه در این سرحدات که بیگاه و بیگاه دعوای جنگهای عظیم روی داده در هر یک کمال

شجاعت و دلیری و نهایت جرأت و مردانگی را بجلوه ظهور و عرصه شهود رسانیده نواب ما را بر صدق خدمتگذاری و آداب میدان داری او وثوق تمام و اعتقاد حاصل

کلام حاصل و نظر بحقیقت قابلیت کمال مرحمت و استحقاق وفور عنایت و مکرمت را دارد بنابراین نشان شیر و تاج نوع اعلی مخصوص بکلاه اعتبار که علامت رحمت

انشانیت شجاعت و رزم سازی و نمونه ظهور دلاوری و دشمن شکاری بود بمشار الیه عنایت و اعطا یافت که در هر جا و در هر محفل این علامت بزرگ شان خدمتگذاری او به

میان امثال و الاقران فرق مباهات بتاج سموات افرازد و بر هر یک از ابنای جنس خود مایه تفوق و سربلندی سازد لهذا عالیجاه امرای عظام و سرداران ذوی الاحترام

و عامه لشکریان و عیالان لشکر نشان مشارالیه در رعایت حرمت و تقدیم هر گونه حالات شایسته کوتاهی اعزاز و اکرام نموده در ارتفاع شان و مرتبت او اهتمام

خیر اثر را از اعمال ماهره و امارات ظاهره دانسته سررشته داران دفتر کتاب خیریت اساس و قورخانه مبارکه شرح حکم محکم والا را در دفاتر خلود ثبت و دقیقه

۱۲۲۹

... تحریرا فی شهر شعبان المعظم

عالیجاها [illegible] عزت و معالی [illegible] دوستا مهربانا

مهربان مشفق [illegible] کامکار شهنشهی بعد از شرح رسوم محبت [illegible] عزیز [illegible] به الله [illegible] نظر محبت [illegible] [illegible] طالب [illegible]

خبر سلامت آن عالیجاه [illegible] حاصل که [illegible] محبت [illegible] در این وقت که عالیجاه [illegible] [illegible] عالیجاه [illegible] قاسم خان [illegible]

به رسم سفارت [illegible] روانه دربار [illegible] در طریقه محبت لازم داشته شمه از [illegible] خاطر [illegible] [illegible] طاهر [illegible]

صحیفه [illegible] که آن عالیجاه در [illegible] [illegible] صحبت [illegible] در دل [illegible] [illegible] خاطر [illegible] [illegible] نگارش

هر [illegible] محبت [illegible] که [illegible] خاطر دوستی [illegible] [illegible] [illegible] ایام [illegible]



Lettre de Mirza aboulkasem
2 Reçu par l'Ambassadeur de
Perse Kasem Khan, en avril
1824.

مراسله اشتیاق عالیجاه معلی جایگاه گنبرت دنالد سپاه دوستی و مودت آگاه موسیو جوانین مطالعه مفتوح نامیم

٤٧



شکر و سپاس خداوندی را سزاست که ذات اقدسش از سمت نقص و علامت مبرّا و وجود مقدسش از وصمت تغییر و خلل معرّاست قادری که بقدرت کامله لوای اقتدار سلاطین نصفت آیین را در عرصهٔ شرق و غرب برافراشت

حکیمی که کوکب شاهی بزرگی را بفرّ خواقین با داد و دین بیاراست ترتیب عالم کون را بتألیف و امتزاج طبایع مختلفة المزاج منوط و مربوط ساخت و انتظام کار جهانیان را بائتلاف و ارتباط ملوک زمان مقرر و مخصوص داشت

فحمده علی عظیم نعمه و عمیم رحمته و نصلّی علی رسله و اولیائه و بعد نفحات نسیم تحیات فزون از حدّ اعتدال نثار بزم شاهانهٔ پادشاه جمجاه افرنگ خسرو خورشید فر آسمان اورنگ همایون نهال بهارستان سلطنت مبارک گوهر

دولت بلند بسریر شوکت آرایندهٔ فر مملکت خجسته برادر کامکار پادشاه ممالک فرانسه داشته مشهود رای ملک آرا میداریم که چون از قدیم علایق مودّت و مخادنت فیمابین اسلاف کرام ما و دولت برادر والاجاه

مؤکد و اسباب برادری و مخالطت و آل رسل و رسایل بین الدولتین ممهّد و مشید بوده است در این عهد فرخنده بخت فیروز بخت فسیح الممالک ایران بفرّ وجه ما زیب و زینت ثبات ایمن حالت خاصیت

واقتدا بعادت بهیهٔ اسلاف در حفظ رسوم ائتلاف بلزوم همّت مهر اتصاف قیام و بقرار تشیید مقدمات معاهدات قدیم و تجدید لوازم عهود و مبانی و تقدیم ضوابط سلطنت و تمهید روابط الفت بنگارش این نامه

همت بر آن لازم شد که باین فیصل خجسته بخت بهمراه بشارت و مسرت انتما عمدة الخوانین العظام مقرب الخاقان حسین خان آجودانباشی عساکر منصوره که در حضرت موثق و معتمد و صاحب انواع نشانها

ارشاد آن شد و خورشید و حمایل سرو سرخ امیر توانا خنجر و شمشیر مرصع و از اکابر سرکار شاه سلطنت جاویدبنیان و نجبای مملکت آذربایجان است رسم سفارت بزرگ مامور نزد آن برادر بلند اختر

شد که ابلاغ نامهٔ دوستانه کند مکنونات ضمیر را در حفظ شرایط مواحدت و رعایت مراسم موالفت در انجمن خاص آن حضرت القا نماید اگرچه فیمابین مملکتین ایران و فرانسه بعد ظاهری

واقع است و لیکن قرب باطنی جانبین بسر حد کمال است مترقب آنکه از آن جانب شوکت جوانب همواره بنای مزید مواخات نشسته و با طرحی سوالات ممهد بوده

جواهر دوستی و اتحاد در سلک تحریر مکاتبات منتظم و صحایف یکرنگی و وداد بنقش تسطیر مخابرات مرتسم آید سلسلهٔ ارتباط بارجاع مهمات محرک آید العاقبة بالخیر و العافیة و السلام خیر ختام

14

